

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

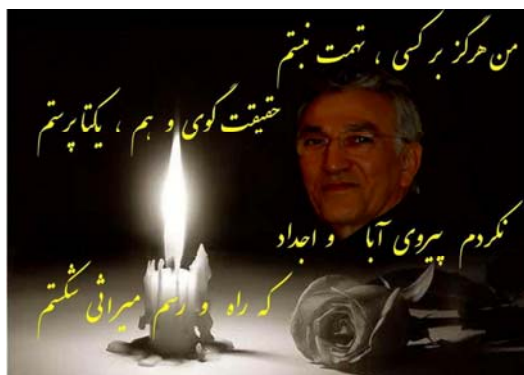
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۷ دسمبر ۲۰۲۰



شک و ایهام

قافیه بشکست و روز روشن ما شام شد
خواب از چشم پرید و ریخت گوهرهای چند
خزم و عزم بزم ها و هزم و جزم و رزم ها
عهد، پولادین و راسخ عزم و پیمان پایدار
قافیه گر تنگ آمد، می نباید انتظار
گر نشد باید که بزمی را بیارائیم و بعد
ساغر و پیمانه را پُر از شراب صاف ناب
گلرخانهی چند باید از شواب شوخ و شنگ
باصفا، خوش ران و ساق و خوش نما و خوش ادا
خوش خرام و خوش بیان و با نشاط و دلفریب
لیک سودی می نبخشد چون ترا عادت به رزم
ناله و فریاد و افغان می نبخشد سودی چند
نه دعا گردد قبول و نه عبادت کارگر
در همین جا نقطه واجب آمد و وقت دگر
حال آیم بر سر موضوع، دوباره یک دو بیت
تا بگیرم پاسخ و دفع شک و ایهام شد

از { اجازه } می‌نگفتی، انتظارم انتظارِ نشرِ اشعارِ { تر مپ }، تا خاطرش آرام شد
گفتم از لپ‌تاپ و از اینترنت و هم از سفر تا نپنداری (بشیرا) ! «نعمت» استعجاب شد

استام = سیخ فلزی دراز که با آن در گلخن حمام یا تنور نانوائی آتش را زیر و رو می‌کنند

انفصام = شکسته شدن

انهزام = شکست خوردن

شواب = شابه، زن جوان، زن جوان از سیزده تا سی سالگی

اصنام = جمع صنم، بت‌ها

استسلام = تسلیم شدن

استعجاب = در سخن عاجز شدن